

مبانی و مصادیق تعلیم و تربیت اقتصادی فرزندان در خانواده اسلامی*

□ مرضیه محمصص^۱

چکیده

جهان‌بینی اسلامی، تأمین سعادت فردی و اجتماعی انسان را مقصد قرار داده و در مسیر نیل بدین مقصود الگوهای رفتاری متعددی در حوزه‌های مرتبط با حیات وی ارائه نموده است. اقتصاد یکی از رموز بقای خانواده و بالتبع جامعه اسلامی می‌باشد. تأکید قرآن کریم بر اخلاق محوری، آخرت‌گرایی، زمینه‌سازی جهت تولید و توزیع، لزوم اتخاذ الگوی صحیح مصرف و عدالت‌مداری، لزوم اهتمام والدین به تعلیم و تربیت اقتصادی را مبرهن می‌سازد. خانواده به عنوان کانون تعالی انسان، از طریق آموزش فرزندان نسبت به التزام به اصول ارزش‌مند اخلاقی در حوزه اقتصاد سبب خواهد شد، افراد از عنفوان جوانی با برخورداری از حسن رفتار و تدبیر در عرصه‌های اقتصادی خانواده، توان‌مندی لازم نسبت به عهده‌داری مسؤولیت‌های کلان در تحولات اقتصادی جوامع را کسب نمایند. بدین سان نظارت مستمر والدین، رفتارهای مدبرانه اقتصادی را نهادینه خواهد ساخت. بر این مبنا، پای‌بند نمودن فرزندان به اصل میانه‌روی، تقریب مفهوم «مدارا» با «اقتصاد» در اندیشه فرزندان، بیان

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۴/۲۵ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۱۰/۲۲.

۱. دکترای علوم قرآن و حدیث و استاد دانشکده الهیات و ادیان دانشگاه شهید بهشتی

انگیزه‌های انجام فعالیت‌های اقتصادی برای فرزندان، تلقین مطلوبیت کار و نکوهش راحت‌طلبی و سوق‌دهی فرزندان به ارتقاء تعهد، تخصص و نوآوری از جمله مصادیق تعلیم و تربیت اقتصادی فرزندان محسوب می‌شوند. واژگان کلیدی: تعلیم و تربیت، اقتصاد اسلامی، فرزندان، خانواده.

بیان مسأله

«تعلیم» به معنای آموزش و یاد دادن و انتقال دانسته‌ها و فراهم آوردن زمینه مناسب برای فهم و درک فراگیر و «تربیت» به معنای نشو و نما دادن، انتقال معلومات و مهارت‌ها، تشکیل عادات و صفات معین در فرد، به فعلیت رساندن قوا و استعدادهای انسان، آماده کردن خود برای زندگی در اجتماع معین و ایجاد محیط مساعد برای ارضای رغبت‌های فرد می‌باشد (بهشتی، بی‌تا، ص ۴۵). شهید مطهری رحمته‌الله علیه در تعریف تربیت می‌نویسد: «تربیت عبارت است از فراهم کردن زمینه‌ها و عوامل برای به فعلیت رساندن و شکوفا نمودن استعدادهای درونی انسان در جهت مطلوب و استفاده از روش‌های صحیح و مناسب» (مطهری، ۱۳۶۷، ص ۲۷). از مجموعه تعریف‌های گوناگون پیرامون تربیت، چنین استفاده می‌شود که تربیت عبارت است از انتخاب رفتار و گفتار مناسب، ایجاد شرایط لازم و کمک به شخص مورد تربیت؛ با این هدف که فرد بتواند استعدادهای نهفته را در تمام ابعاد وجودی خویش، به طور هماهنگ شکوفا سازد و به نحو تدریجی به سوی کمال مطلوب حرکت نماید.

در دیدگاه اسلامی، تعلیم و تربیت همراه و قرین هستند. هر چند جداانگاری ذهنی این دو مقوله امکان‌پذیر است، اما در حیطه واقعیت، هر آموزشی، برآیند تربیتی خاصی در پی دارد و در هر تربیتی، نوعی آموزش و آگاه‌سازی نهفته است.

در این راستا، خانواده به عنوان کانون تعالی انسان و اصلی‌ترین نهاد اجتماعی از یک سو تا حد بسیاری متأثر از تکاپوی مؤلفه‌های اقتصادی است و از سوی دیگر به عنوان عاملی مستقیم یا غیر مستقیم بر چگونگی تولید، توزیع و مصرف کالاها و خدمات در جامعه تأثیر فراوانی داراست.

عدم توجه به تعلیم و تربیت اقتصادی فرزندان در خانواده موجب می‌شود آنان تبدیل به اعضای شوند که تنها رفع بدون وقفه نیازهای خویش را از خانواده انتظار داشته باشند و بی‌اعتنا به نیازمندی‌های سایر اعضا، همچون مصرف‌کنندگان حریص، زیان‌های جبران‌ناپذیری بر پیکره جامعه وارد سازند. البته اولین قربانیان چنین وضعی، خود والدین هستند که ناآگاهانه، توقعات بی‌نهایت فرزندان را بدون مرز، رها نموده و در عین حال جهت برآورده‌سازی خواسته‌های فزاینده آنان، خود را از ضروری‌ترین امکانات محروم ساخته‌اند و تعادل مالی و روانی خانواده را مختل می‌کنند.

بر این مبنا تعلیم و تربیت اقتصادی عبارت از آموزش و تأدیب فرزندان بر اساس التزام به اصول ارزش‌مند اخلاقی در حوزه اقتصاد است. غایت تعلیم و تربیت اقتصادی نیز این است که فرزندان از همان دوره کودکی با برخورداری از حسن رفتار و خردورزی در عرصه‌های اقتصادی خانواده، توان‌مندی لازم نسبت به عهده‌داری مسؤلیت‌های کلان در تحولات اقتصادی جوامع را کسب نمایند. پیش‌فرض اصلی در گرایش به لزوم اتخاذ چنین رویه‌ای این است که بدون تردید رفتارهای مدیرانه اقتصادی در سنین پس از نوجوانی، به‌طور ناگهانی، ظهور و بروز نمی‌یابد، بلکه براساس مراقبت و نظارت پیگیر والدین، به تدریج در رفتار و کردار آنان همچون مهارتی تجربه و نهادینه می‌شود.

در این مقاله، پاسخ‌گویی به سؤالی اساسی مورد نظر است که «مبانی تعلیم و تربیت اقتصادی فرزندان در دیدگاه اسلامی چیست؟». ذکر مصادیقی از تعلیم و تربیت اقتصادی، غایت دیگری است که برآورده خواهد شد.

فرضیه نوشتار این است که مبانی قرآنی در حوزه موضوعات اقتصادی، بر لزوم اتخاذ راه‌کارهایی جهت تعلیم و تربیت اقتصادی فرزندان و نهادینه‌سازی اخلاق اقتصادی در فرزندان از سوی خانواده دلالت دارد.

این پژوهش در قالب روش کتابخانه‌ای و توصیفی - تحلیلی، با محوریت منابع قرآنی، روایی و تفاسیر مفسران در پی اثبات فرضیه می‌باشد.

اهمیت و ضرورت تحقیق

در آموزه‌های دینی ضمن این که به موضوع «تعلیم و تربیت» توجه فراوانی شده، نحوهٔ تعلیم و تربیت فرزندان نیز به طور مستقل مورد تأکید قرار گرفته است (ر.ک: ری شهری، ۱۳۹۰، صص ۲۴۶-۲۶۳). چنان که امام علی علیه السلام در روایتی می‌فرماید: حق فرزند بر پدر سه چیز است: نام نیکو برای او انتخاب کند، او را به نیکی ادب کند و به او قرآن بیاموزد (نهج البلاغه، حکمت ۳۴۱). همچنین امام صادق علیه السلام فرمودند: لازم است طفل هفت سال بازی کند، هفت سال خواندن و نوشتن بیاموزد و هفت سال حلال و حرام (مقررات زندگی) را یاد بگیرد (کلینی رازی، ۱۳۶۵، ج ۶، ص ۴۷).

امام سجاد علیه السلام در این زمینه می‌فرماید: حق فرزند بر تو این است که بدانی او قسمتی از وجود تو است و در خیر و شر دنیا به تو پیوند دارد و تو در ادب آموزی و خداشناسی او مسؤولیت داری (حرانی، ۱۴۰۴ق، ص ۲۶۳).

در روایات معصومین علیهم السلام، حوزه‌های اصلی تعلیم و تربیت به موضوعاتی همچون آموزش استدلالی اصول اعتقادی، آموزش اخلاق قرآنی، فرائض دینی و آموزش‌های عمومی توجه خاص شده است (ر.ک: نهج البلاغه، نامه ۳۱). نکتهٔ حائز اهمیت آن که شواهدی از لزوم اهتمام والدین به نوعی دیگر از آموزش‌ها نسبت به فرزندان یافت می‌شود. از جمله این روایات، کلام گهربار امیرالمؤمنین علیه السلام است که فرموده‌اند: «بهترین چیزی که شایسته است نوجوانان آن را فرا گیرند، اموری است که در بزرگسالی بدان نیازمند خواهند بود» (ابن ابی الحدید، ۱۹۵۹م، ج ۲۰، ص ۳۳۳). ایشان در روایتی دیگر می‌فرمایند: در کودکی به دنبال دانشی باشید که در آینده بتوانید سیادت و برتری خود را حفظ کنید (همان، ص ۲۶۷).

از آنجا که دست‌یابی به خودکفایی و استقلال، یکی از غایات جامعهٔ اسلامی به شمار می‌آید، لذا رصد نیازهای حال و آیندهٔ جامعه امری الزامی و برنامه‌ریزی برای رفع آن موضوعی حیات‌بخش می‌باشد. هر چند تاکنون آموزش‌های فنون

رزمی، آمادگی‌های جسمانی، هنرهای دستی، مشاغل صنعتی و زراعی در این راستا مورد توجه متولیان نظام آموزش و پرورش کشور و والدین قرار گرفته، لیکن هنوز دانش‌افزایی در عرصه‌هایی روزآمد که عظمت و پیشگامی جامعه اسلامی در بین جوامع بشری را موجب خواهد شد، مغفول مانده است. توجه خاص به تعلیم و تربیت اقتصادی در خانواده، یکی از این عرصه‌های حائز اهمیت محسوب می‌شود. مبانی قرآنی و مصادیق این اندیشه به شرح ذیل است.

مبانی قرآنی تعلیم و تربیت اقتصادی فرزندان

در مسیر بررسی و تعیین مصادیق تعلیم و تربیت اقتصادی فرزندان، عنایت به مبانی قرآنی، زمینه‌سازانه‌ی یک نظام فکری اقتصادی ویژه را فراهم می‌آورد:

- اخلاق محوری

در آفرینش غایت‌مند جهان (دخان/۳۸؛ انبیاء/۱۶)، انسان، امین اسرار الهی گردید (احزاب/۷۲)، با بهره‌مندی از کرامت ذاتی (اسراء/۷۰)، مسجود فرشتگان قرار گرفت (بقره/۳۴؛ اسراء/۶۱) و توان‌مندی تسخیر آسمان و زمین را یافت (نحل/۱۲). البته سرشت انسانی در مسیر تجلی اسماء و صفات الهی، با موانعی آزموده می‌شود. خداوند متعال می‌فرماید: ﴿زُيِّنَ لِلنَّاسِ حُبُّ الشَّهَوَاتِ مِنَ النِّسَاءِ وَالْبَنِينَ وَالْقَنَاطِيرِ الْمُقَنْطَرَةِ مِنَ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ وَالْخَيْلِ الْمُسَوَّمَةِ وَالْأَنْعَامِ وَالْحَرْثِ ذَلِكَ مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَاللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الْمَبَاقِ﴾ (آل عمران/۱۴). مفسران در تفسیر این آیه اشاره نموده‌اند؛ خداوند عشق به فرزندان، مال و ثروت را در نهاد آدمی ایجاد کرده تا او را آزمایش کند و در مسیر تکامل و تربیت پیش برد. هر چند بدون این علاقمندی‌ها، نمی‌توان زندگی کرد و پیمودن راه سعادت نیز بدون وسایل مادی غیر ممکن است، اما دلبستگی فوق‌العاده و علاقه افراطی بدان‌ها نکوهش شده است. در این آیه حیات دنیا به معنی زندگی پایین و پست است و غرض آن که اگر کسی به این امور به عنوان هدف نهایی عشق

ورزد و از آنها به صورت نردبانی در مسیر زندگی انسانی بهره نگیرد، در برابر سرانجام نیک‌تری که در انتظار بشر می‌باشد، تن به زندگی پستی داده است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲، صص ۴۵۸-۴۶۰). یکی از مفسران ذیل آیه ﴿وَاعْلَمُوا أَنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ﴾ (انفال / ۲۸) می‌نویسد: «چگونگی به دست آوردن اموال، و چگونگی خرج کردن آنها، و طرز نگهداری آن، و میزان دلبستگی و علاقه به آن، همگی میدان‌های آزمایش بشر است.

بسیارند کسانی که از نظر عبادات معمولی و تظاهر به دین و مذهب، و حتی گاهی از نظر انجام مستحبات، بسیار سخت گیرند و وفادارند، اما هنگامی که پای یک مسأله مالی به میان می‌آید، همه چیز کنار می‌رود و تمام قوانین الهی و مسائل انسانی و حق و عدالت به دست فراموشی سپرده می‌شود» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۷، ص ۱۳۸).

در آیه ﴿وَ تَحِبُّونَ الْمَالَ حُبًّا جَمًّا﴾ (فجر / ۲۰) دنیاپرستی و ثروت‌اندوزی عامل بی‌توجهی به مشروع یا نامشروع بودن مال و در نهایت غفلت از یاد خدا محسوب می‌شود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۶، ص ۴۶۷). مطابق آیه ﴿إِنَّهُ لِحُبِّ الْخَيْرِ لَشَدِيدٌ﴾ حب خیر، فطری هر انسانی است، و به همین جهت وقتی زینت و مال دنیا را خیر خود می‌پندارد، قهراً دلش مجذوب آن می‌شود، و این شیفتگی یاد خدا را از دلش می‌برد و در مقام شکرگزاری او بر نمی‌آید (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۲۰، ص ۵۹۲). مسلماً اطلاق خیر بر مال به خاطر آن است که در حد ذات خود چیز خوبی است، و می‌تواند وسیله انواع خیرات گردد، ولی انسان ناسپاس و بخیل آن را از هدف اصلی بازداشته، و در مسیر خودخواهی و خودکامگی به کار می‌گیرد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۷، ص ۲۵۱). پس نه ثروت بد است و نه دوست داشتن آن، بلکه بخیل بودن و افراط در دوستی آن مذموم است (قرشی، ۱۳۷۷، ج ۱۲، ص ۳۲۸).

تنگ نظری، بخل و امساک از خرج کردن از جمله خصوصیات است که در قرآن کریم مذمت شده است (اسراء / ۱۰۰). یکی از مفسران در این باره

می‌نویسد: «افراد انسان از جهت زندگی اجتماعی، وابسته به همکاری و قدرت اجتماع می‌باشند. این اتکاء و قدرت، معلول روح تعاون و احساس مسئولیت نسبت به دیگران است. اگر این روح و احساس در افراد نبود، یا ضعیف بود، و اگر ارزش و کرامت انسان نادیده گرفته شد، قهراً آزمندی، جای روح تعاون، و ارزش بی‌حساب مال جای ارزش انسانی را پر می‌کند و هر اندازه ارزش مال و جمع و تمرکز آن در نظر افراد بیشتر باشد، قدرت اجتماع کم‌تر و پیوند افراد آن سست‌تر می‌گردد. این گونه اصول و قوانین اجتماع و تحولات آن است که از نظر قرآن، مبتنی بر اندیشه و اخلاق می‌باشد، چنان که وضع اجتماعی نیز مسیر اخلاق و روحيات را مشخص می‌نماید» (طالقانی، ۱۳۶۲، ج ۴، ص ۷۲).

حرص، خصوصیت اخلاقی دیگری است که در برخورداری‌های مالی، زمینه ظهور و بروز می‌یابد. خداوند متعال می‌فرماید: ﴿إِنَّ الْإِنْسَانَ خُلِقَ هَلُوعًا﴾ (معارج/۱۹) «هلع» یا «شدت حرص» حالتی در انسان است که به اقتضای حکمت الهی، آدمی به وسیله این صفت به آنچه مایه خیر و سعادتش می‌باشد هدایت شود. «هلع» از فروع حب ذات است و به خودی خود از رذائل اخلاقی نیست، بلکه هر صفت نفسانی اگر در حد اعتدال نگاه داشته شود فضیلت است، و اگر به طرف افراط یا تفریط منحرف گردد، رذیله و مذموم می‌شود (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۲۰، ص ۱۸؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۵، ص ۳۰).

معارف قرآنی علاوه بر اشاره به خصوصیات انسانی پیش گفته و جلب توجه مخاطبان نسبت به عدم غفلت معنوی در عرصه‌های اقتصادی، با ذکر موضوعات بنیادین اخلاقی، زمینه پیروی مؤمنان از ارزش‌های اخلاقی را فراهم می‌آورد. قرآن کریم، افراد را برادر یکدیگر معرفی نموده و بر اصلاح میان آنان تأکید می‌نماید (حجرات/۱۰). به عقیده برخی از مفسران طرح برادری و اخوت و به کارگیری این واژه، از ابتکارات اسلام است (قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۹، ص ۱۸۲). اصل اخوت و برادری در تمدن توحیدی، تنها اصلی انسانی و اخلاقی شمرده نمی‌شود، بلکه آثاری واقعی و ملموس در عرصه اقتصادی بر جای می‌گذارد. با

رواج فرهنگ اخوت در جامعه، هر فرد نه تنها در صدد انحصارطلبی و استثمار دیگران بر نمی آید، بلکه در برابر کیفیت و کمیت بهره‌برداری از آنها خود را مسؤول می‌داند. سفارش قرآن به انفاق، صدقه و یاری محرومان جامعه و وعده پاداش بزرگ و رحمت‌های گسترده الهی، بُعد دیگری از اخلاق محوری در تعالیم اقتصادی قرآن است.

علامه طباطبایی رحمته‌الله‌علیه پیرامون ارتباط میان اقتصاد و اخلاقیات در جامعه می‌نویسد: مهم‌ترین چیزی که جامعه انسانی را براساس خود پایدار می‌دارد، اقتصادیات جامعه است که خدا آن را مایه قوام اجتماعی قرار داده، و ما اگر انواع گناهان و جرائم و جنایات و تعدیات و مظالم را دقیقاً آمارگیری کنیم و به جستجوی علت آن پردازیم خواهیم دید که علت بروز تمامی آنها یکی از دو چیز است: یا فقر مفرطی است که انسان را به اختلاس اموال مردم از راه سرقت، راهزنی، آدم‌کشی، گران‌فروشی، کم‌فروشی، غصب و سایر تعدیات وادار می‌کند، و یا ثروت بی‌حساب است که انسان را به اسراف و ولخرجی در خوردن، نوشیدن، پوشیدن، تهیه سکنی و همسر، و بی‌بند و باری در شهوات، هتک حرمت‌ها، شکستن قرق‌ها و تجاوز در جان، مال و ناموس دیگران وامی‌دارد و همه این مفاسد که از این دو ناحیه ناشی می‌شود هر یک به اندازه خود تأثیر مستقیمی در اختلال نظام بشری دارد، نظامی که باید حیات اموال و جمع‌آوری ثروت و احکام مجعول برای تعدیل جهات مملکت و جدا ساختن آن از خوردن مال به باطل را ضمانت کند، وقتی این نظام مختل گردد و هر کس به خود حق دهد که هر چه به دستش می‌رسد تصاحب کند، و از هر راهی که برایش ممکن باشد ثروت جمع نماید، قهراً سنخ فکرش چنین می‌شود که از هر راهی که ممکن شد باید مال جمع‌آوری کرد؛ چه مشروع و چه نامشروع، و به هر وسیله شده باید غریزه جنسی را اقناع و اشباع کرد؛ چه مشروع و چه نامشروع، و هر چند به جاهای باریک هم بکشد و پر واضح است که وقتی کار بدین جا بکشد شیوع فساد و انحطاط‌های اخلاقی چه بلایی بر سر اجتماع بشری

در می آورد، محیط انسانی را به صورت یک محیط حیوانی پستی در می آورد که جز شکم و شهوت هیچ همی در آن یافت نمی شود، و به هیچ سیاست و تربیتی و با هیچ کلمه حکمت آمیز و موعظه ای نمی شود افراد را کنترل نمود (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۹، ص ۳۳۱).

- آخرت گرایی

تلاش برای پایداری از ویژگی های تمامی انسان هاست. آنچه موجب اختلاف نظر در نوع و حرکت آنان می گردد، تفاوت دیدگاه پیرامون میزان بقاء و پایداری می باشد. مؤمن معادباور که به حیات جاودانه ایمان دارد و آن را برتر از زندگی دنیوی می داند، دنیا را وسیله ای برای نیل به کمالات معنوی و سعادت اخروی تلقی می نماید. در این ساختار عمل اقتصادی در حقیقت مآل اندیشی و آخرت طلبی است، زیرا برای پیمودن راه سعادت آخرت جز درنوردیدن دنیا راه دیگری نیست. این نوع نگرش به فعالیت اقتصادی به صراحت در آیاتی مورد اشاره قرار گرفته است: ﴿وَابْتَغِ فِيمَا آتَاكَ اللَّهُ الدَّارَ الْآخِرَةَ وَلَا تَنْسَ نَصِيبَكَ مِنَ الدُّنْيَا وَأَحْسِنْ كَمَا أَحْسَنَ اللَّهُ إِلَيْكَ وَلَا تَبْغِ الْفَسَادَ فِي الْأَرْضِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ﴾ (قصص/۷۷)؛ از آنچه خدایت ارزانی داشته، سرای آخرت را بجوی و بهره خویش را از دنیا فراموش مکن. و هم چنان که خدا به تو نیکی کرده نیکی کن و در زمین از پی فساد مرو که خدا فسادکنندگان را دوست ندارد.

از نظر علامه طباطبایی رحمته الله این آیه دلالت بر این موضوع دارد که آن مقدار رزقی را که خدا مقدر نموده را نباید ترک کرد و از آن برای آخرت بهره گرفت؛ زیرا حقیقت بهره و نصیب هر کس از دنیا همان چیزی است که برای آخرت انجام داده باشد. همچنین باید همان طور که خدا از باب احسان به افراد انفاق کرده، زیادی اموال را از باب احسان به دیگران انفاق نمود. همچنین مطابق آیه نباید مسبب فساد در زمین شد، و از آنچه خدا از مال و جاه عطا نموده، در مسیر ناشایست استفاده کرد؛ زیرا خداوند مفسدان را دوست نمی دارد، چون بنای

خلقت بر صلاح و اصلاح است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۶، ص ۱۱۲). مفسری دیگر پیرامون دلالت این آیه می‌نویسد: «اشاره به این که مال و ثروت به خلاف پندار بعضی از کج‌اندیشان، چیز بدی نیست، مهم آن است که بینیم در چه مسیری به کار می‌افتد، و اگر به وسیله آن «ابتغاء دار آخرت» شود، چه چیزی از آن بهتر است؟ اگر وسیله‌ای برای غرور و غفلت و ظلم و تجاوز و هوسرانی و هوسبازی گردد، چه چیز از آن بدتر؟!... این نیز یک واقعیت است که بسیاری از ثروتمندان بی‌ایمان گاه بر اثر جنون افزون‌طلبی و گاه برای برتری‌جویی دست به فساد می‌زنند، جامعه را به محرومیت و فقر می‌کشاند، همه چیز را در انحصار خود می‌گیرند، مردم را برده و بنده خود می‌خواهند، و هر کسی زبان به اعتراض بگشاید او را نابود می‌کنند، و اگر نتوانند از طریق تهمت به وسیله عوامل مرموز خود او را منزوی می‌سازند، و خلاصه جامعه را به فساد و تباهی می‌کشند» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۶، ص ۱۵۸؛ نیز ر.ک: سید ابن قطب، ۱۴۰۴ق، ج ۵، ص ۲۷۱۲).

در آیه ﴿الْمَالُ وَالْبَنُونَ زِينَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَالْبَاقِيَاتُ الصَّالِحَاتُ خَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ ثَوَابًا وَخَيْرٌ أَمْلًا﴾ (کهف/۴۶)؛ نیز دارایی و فرزند، پیرایه‌های زندگانی دنیوی معرفی شده و تأکید شده که کردارهای نیک همواره بر جای می‌مانند و نزد پروردگار پسندیده‌تر است، لذا امید بستن به آنها نیکوتر می‌باشد. مفسران در تفسیر این آیه می‌نویسند: هر چند که دل‌های بشر علاقه به مال و فرزند دارد و همه، مشتاق و متمایل به سوی آنند و انتظار انتفاع از آن را دارند و آرزوهایشان براساس آن دور می‌زند ولیکن زینتی زودگذر و فریبنده هستند که آن منافع و خیراتی که از آنها انتظار می‌رود ندارند و آرزوهایی که آدمی از زخارف دنیوی دارد اغلب آرزوهای کاذب است، و آن مقدارش هم که کاذب نیست فریبنده است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۳، ص ۴۴۳؛ طبرسی، ۱۳۶۰، ج ۱۵، ص ۷۳).

– زمینه سازی جهت تولید و توزیع

ظرفیت، توان تولیدی و حداکثر بهره‌برداری از طبیعت در چارچوب مقررات عمومی نظام اقتصادی، از جمله موضوعات بسیار مهم محسوب می‌شود (ر.ک: صدر، ۱۳۷۵، ص ۶۱۵). این موضوع از جهتی دارای ریشه‌های فکری و فرهنگی است و باید توسط نظام تربیتی جامعه ایجاد و هدایت گردد و از جهت دیگر دارای جنبه حقوقی است و به وسیله دولت اسلامی و با رعایت ضوابط تعیین شده، اجرا شود.

قرآن کریم از نظر فکری، اندیشه انسان را به کار و تولید متوجه ساخته و درباره اهمیت و تأکید بر آباد سازی زمین می‌فرماید: ﴿هُوَ أَنْشَأَكُمْ مِّنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا﴾ (هود/۶۱)؛ اوست که شما را از زمین پدید آورده است و خواست که آبادش دارید. در این آیه از انسان خواسته شده زمین را آباد کند؛ به گونه‌ای که آماده بهره‌برداری شود. کلمه عمارت به معنای این است که انسان زمین را از حال طبیعی به حالتی که بتوان از فواید مورد انتظار آن استفاده نمود، تبدیل کند. پس کلمه استعمار در آیه شریفه به معنای طلب آبادانی است و از انسان خواسته شده، زمین را به گونه‌ای بسازد که بتواند از منافع آن بهره‌برد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۰، ص ۳۰۹). امیرالمؤمنین علی علیه السلام نیز در کلامی به دقت مصداق این موضوع را ذکر نموده‌اند: «اهتمام تو به آبادی زمین باید بیش از جمع‌آوری درآمدهای مالیاتی باشد؛ زیرا گرفتن مالیات بدون آبادانی ممکن نیست و باعث ویرانی کشور و نابودی مردم آن می‌شود» (ابن ابی‌الحدید، ۱۴۰۴ق، ج ۱۷، ص ۷۰). شایان ذکر است تولید با این مفهوم، تمامی فعالیت‌هایی که به صورت مستقیم یا غیر مستقیم موجب تقویت جامعه می‌گردد را شامل می‌شود. بنابراین علاوه بر مولدان عرصه کشاورزی و صنعت، تمامی متولیان امر تعلیم و تربیت نیز که در افزایش توان‌مندی‌های سرمایه انسانی متخصص و ماهر تلاش می‌کنند، در این زمره قابل ستایش‌اند.

البته توجه به این امر بسیار ضروری است؛ در اندیشه اسلامی هر شیوه تولیدی

که باعث دنیاپرستی و انحراف اخلاقی شود، نکوهش شده است. قرآن کریم تصریح دارد که عوامل تولید و منابع معیشت انسان فراوان است (ابراهیم/۳۲-۳۴، نحل/۱۸) و خداوند متعال نه تنها رزق انسان، بلکه روزی همه موجودات را تضمین کرده است (هود/۶). در آیات قرآنی از کار و تلاش برای به دست آوردن روزی حلال، به جست و جوی فضل الهی تعبیر شده است (جمعه/۱۰؛ نحل/۱۴؛ اسراء/۱۲، ۶۶ و فاطر/۱۲). در این ساختار، توحید افعالی از جایگاهی بسیار حائز اهمیت برخوردار است. در نگرش قرآنی خداوند به انسان توانایی استفاده از منابع اولیه و عوامل تولیدی را عطا نموده است. به عبارت دیگر خداوند، مولد حقیقی است و فاعلیت انسان در طول فاعلیت خداوند قرار دارد. خداوند متعال می‌فرماید: ﴿أَفَرَأَيْتُمْ مَا تَحْرُثُونَ ۚ أَنْتُمْ تَزْرَعُونَهُ أَمْ نَحْنُ الزَّارِعُونَ﴾ (واقعه/۶۳-۶۴)؛ «آیا چیزی را که می‌کارید دیده‌اید؟»، «آیا شما می‌رویانش یا ما رویاننده‌ایم؟». براساس این بینش، انسان‌ها در عرصه تولید نیز به خالق خود توجه دارند و کسب درجات تعالی معنوی و روحی نیز در جریان پی‌گیری روند تولید میسر می‌گردد.

توزیع یا تقسیم محصول تولید شده، یکی دیگر از موضوعات حائز اهمیت در عرصه مباحث اقتصادی است. بررسی آیات قرآنی گویای این امر است که راه کارهای فرهنگی و اجتماعی مناسبی جهت ساماندهی امر توزیع در جامعه اسلامی پیش‌بینی شده است. خداوند متعال در بیان اهمیت گردش درست اموال و توزیع مناسب درآمدها می‌فرماید: ﴿مَا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ مِنْ أَهْلِ الْقُرَىٰ فَلِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ كَيْ لَا يَكُونَ دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ﴾ (حشر/۷)؛ آن غنیمتی که خدا از مردم قریه‌ها نصیب پیامبرش کرده است از آن خداست و پیامبر و خویشاوندان و یتیمان و مسکینان و مسافران در راه مانده، تا میان توانگران دست به دست نشود. این آیه درباره مصارف ثروت‌های به دست آمده از کافران بدون جنگ (فیء) می‌باشد. آیه به روشنی دلالت دارد بر این که این ثروت‌ها باید در دسترس همگان قرار گرفته و باعث

سلطه‌جویی ثروتمندان بر فقیران نشود (صدر، ۱۳۷۵، ص ۶۶۸). بنابراین هر روشی که اموال را از بهره‌برداری عمومی دور سازد، با آموزه‌های قرآنی ناسازگار است. درباره سبب شناسی این رویه، می‌توان گفت از آنجایی که خداوند متعال مالک حقیقی تمامی اموال است و انسان به عنوان جانشین و امین خداوند (انعام/۱۶۵)، باید با پرهیز از بی‌اعتنایی به محرومان، تنها نفع و مطلوبیت شخصی را هدف اصیل و نهایی خویش قرار ندهند و از توزیع نابرابر درآمدها و فرصت‌ها اجتناب نمایند.

- لزوم اتخاذ الگوی صحیح مصرف

مصرف، هدف نهایی تولید و توزیع در عرصه اقتصاد محسوب می‌شود و نوع مصرف و میزان آن در جامعه نیز به چگونگی تخصیص منابع برای تولید و نحوه توزیع بستگی دارد. از آنجایی که انسان بر حسب ساختار سرشتی، دارای دو نوع نیازهای مادی و روحی است؛ طبعاً مصارف او نیز اختصاص به یک یا هر دو دسته نیازهای پیش گفته دارد. ذکر این نکته لازم است که هر چه نیازهای مادی انسان در حد معقول ارضا شود، آرامش خاطر و فضای مناسب‌تری برای پای‌بندی به اصول اخلاقی و معنوی پدید می‌آید (قحف، ۱۳۷۶، ص ۲۸).

در آموزه‌های قرآنی، مصارفی همچون خوراک افراد نیز مورد توجه قرار گرفته‌اند (عبس/۲۴؛ بقره/۵۷) و اجازه بهره‌برداری از مواهب طبیعت به انسان داده شده است. خداوند متعال می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ كُلُوا مِمَّا فِي الْأَرْضِ حَلَالًا طَيِّبًا﴾ (بقره/۱۶۸)؛ این آیه خطابی همگانی ناظر به لزوم رعایت موازین درست اقتصادی و بهداشتی است؛ به این معنا که خداوند دستور می‌دهد که از آنچه در زمین است به صورت حلال و مشروع استفاده کنید و مال و ثروت یکدیگر را غاصبانه و از راه نامشروع نخورید (طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۲، ص ۴۶-۴۷؛ جعفری، بی‌تا، ج ۱، ص ۴۲۵).

بررسی آیات قرآنی گویای این موضوع است که از یک سو همه چیز برای

انسان مباح است، مگر دلیل مخصوصی آن را رد کند (قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۸۸) و زمین و تمام امکانات و مواهبی که خداوند در آن قرار داده، برای استفاده و سودبری انسان آفریده شده و خداوند از یک سو به انسان عقل و فهم داده و در وجود او استعداد های ویژه ای قرار داده و در زمین، معادن و مواهب و نعمت های بی خلق کرده که بشر به کمک عقل خود می تواند آنها را کشف و استخراج کند و از آنها در بهینه سازی زندگی خود بهره برد و از ترکیب عناصر موجود در زمین دست به اختراعات گوناگون بزند (ابوزهره، بی تا، ج ۱، ص ۱۸۸)، اما از سوی دیگر مؤمنان از پیروی الگوی مصرفی افراد اسراف کار، بر حذر دانسته شده اند ﴿ وَ لَا تُطِيعُوا أَمْرَ الْمُسْرِفِينَ ﴾ (شعرا/۱۵۲)؛ اسراف در لغت به معنای تجاوز از حد است و هر کاری که از نظر کمیت یا کیفیت از اندازه خود تجاوز کند، اسراف است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۶ق، ص ۴۰۷). بنابراین استفاده از نعمت ها و امکانات، افزون بر حد نیاز یا به کارگیری آنها بدون این که فایده عقلایی بر آن مترتب باشد و استفاده بهینه صورت گیرد، همه از مصادیق اسراف است. اسراف نه تنها در امور شخصی، بلکه در مصارف عمومی نیز مذمت شده است. خداوند متعال می فرماید: ﴿ كُلُوا مِنْ ثَمَرِهِ إِذَا أَثْمَرَ وَ ءَاتُوا حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ وَ لَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ ﴾ (انعام/۱۴۱)؛ مفسران در تفسیر این آیه نوشته اند: اسراف به معنی تجاوز از حد اعتدال است، و این جمله می تواند اشاره به عدم اسراف در خوردن و یا عدم اسراف در بخشش بوده باشد، زیرا پاره ای از اشخاص به قدری دست و دل بازند که هر چه دارند به این و آن می دهند و خود و فرزندانشان معطل می مانند (طبرسی، ۱۳۶۰، ج ۴، ص ۵۷۸؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۶، ص ۵).

یکی دیگر از الگوهای مصرفی در نگره قرآنی، به کارگیری مازاد نیاز در مسیر رفع نیازهای ضروری افراد بی بضاعت و محرومان است. ترغیب مؤمنان به انفاق در آیات متعددی انجام گرفته است (انفال/۲ و ۳؛ سجده/۱۵ و ۱۶ و نساء/۳۹)، (آل عمران/۱۳۳ و ۱۳۴؛ بقره/۲ و ۳ و لیل/۱۷ و ۱۸)، (ذاریات/۱۶-۱۹)

و (آل عمران/۹۲). نکته قابل توجه آن که در فرهنگ تعالیم قرآنی حتی در زمینه انفاق نیز همگان به اتخاذ رویه‌ای به دور از اسراف و زیاده‌روی فراخوانده شده‌اند. خداوند متعال می‌فرماید: ﴿وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا﴾ (فرقان/۶۷). از نظر علامه طباطبایی صدر آیه، دو طرف افراط و تفریط در انفاق را نفی کرده و ذیل آن، حد وسط در آن را اثبات نموده است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۵، ص ۳۳۳). مفسری دیگر ذیل این آیه به نکته‌ای اشاره نموده، می‌نویسد: «جالب توجه این که اصل انفاق کردن را مسلم می‌گیرد به طوری که نیاز به ذکر نداشته باشد، چرا که انفاق یکی از وظایف حتمی هر انسانی است، لذا سخن را روی کیفیت انفاق آنان می‌برد و می‌گوید: انفاقی عادلانه و دور از هرگونه اسراف و سخت‌گیری دارند، نه آن چنان بذل و بخششی کنند که زن و فرزندشان گرسنه بمانند، و نه آن چنان سخت‌گیر باشند که دیگران از مواهب آنها بهره‌نگیرند. در تفسیر «اسراف» و «اقتار»، که نقطه مقابل یکدیگرند، مفسران سخنان گوناگونی دارند که روح همه به یک امر بازمی‌گردد و آن این که «اسراف» آن است که بیش از حد و در غیر حق و بی‌جا مصرف گردد، و «اقتار» آن است که کم‌تر از حق و مقدار لازم بوده باشد» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۵، ص ۱۵۴). شهید مطهری رحمته‌الله درباره دلیل ممنوعیت اسراف می‌گوید: بدون شک مواد طبیعی قبل از انجام کار روی آن نیز وجود داشته و بالقوه برای بشر نافع بوده و از آن جهت که مواد خام اولی قبل از انجام کار به همه افراد تعلق داشته، نمی‌توان ادعا کرد که پس از انجام کار تعلقش به دیگران سلب می‌شود. اما بدون شک کاری که شخص روی آن انجام داده سبب می‌شود که او نسبت به دیگران اولویت داشته باشد. اثر این اولویت این است که حق دارد از آن استفاده مشروع ببرد، یعنی استفاده‌ای که با هدف‌های طبیعت و فطرت هماهنگی دارد، اما حق ندارد که آن را معدوم کند یا آن را به مصرف نامشروعی برساند، چون در عین حال این مال به جامعه تعلق دارد (مطهری، ۱۳۸۵، ص ۵۴).

در سطح کلان همان طور که مصرف همراه با اسراف و تبذیر، باعث از بین رفتن منابع لازم برای سرمایه‌گذاری و کاهش تولیدات ملی می‌شود، جهت‌دهی درست به مصارف جامعه به منظور فراهم آوردن زمینهٔ پس‌انداز و سرمایه‌گذاری، رشد و شکوفایی اقتصادی را به دنبال دارد (دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۱، ص ۲۸۵).

به طور خلاصه می‌توان گفت مطابق آموزه‌های قرآنی، جامعهٔ مصرفی که در آن انسان تنها به نیازهای مادی و شخصی خود بیندیشد مردود است. یکی از نویسندگان دربارهٔ حد مطلوب مصرف از نظر اسلام می‌نویسد: «حد مطلوب مصرف از نظر اسلام آن است که افراد جامعه در زندگی شخصی و اجتماعی خود به قدر کفاف بسنده کنند. قدر کفاف بالاتر از سطح ضرورت و پایین‌تر از حد تجمل و رفاه زدگی قرار دارد... از ویژگی‌های لازم برای الگوی مصرف مسلمان، توجه به وضع عمومی مردم و سطح زندگی آنهاست» (خلیلیان، ۱۳۸۴، صص ۲۳۴-۲۳۵).

بر این مبنا با اتخاذ الگوی صحیح مصرف و رعایت حدود قرآنی، نه تنها نیازهای مادی در سطح مطلوبی برآورده می‌شود، بلکه مطلوبیت بهره‌مندی دیگر افراد جامعه از امکانات، در قالب رسیدگی به وضع محرومان، رشد معنوی را به دنبال خواهد داشت.

- عدالت مداری

قرآن کریم هدف از فرستادن پیامبران الهی ﷺ و کتاب‌های آسمانی را اقامهٔ عدل معرفی کرده است (حدید/۲۵). در ساختار قرآنی عدالت نزدیک‌ترین راه رسیدن به تقوا و کمالات انسانی برشمرده شده است (مائده/۸). بسیاری از اندیشمندان معتقدند که عدالت مداری مؤلفه‌ای حائز اهمیت در تفکر اسلامی محسوب می‌شود. شهید صدر معتقد است سیاست‌های اقتصادی صرفاً تا زمانی که با عدالت اجتماعی در تعارض نباشد، قابل تأیید است (صدر، ۱۳۷۵،

ص ۶۴۳). سید عبدالاعلی مودودی نیز همراهی عدالت اجتماعی و رشد اقتصادی را ویژگی بارز اقتصاد اسلامی می‌داند (به نقل از: خورشید، ۱۳۷۴، ص ۲۶۹).

﴿۷۱﴾

آموزه‌های قرآنی فراوانی درباره لزوم رعایت عدالت در تمامی عرصه‌های حیات انسانی وجود دارد. از جمله آیاتی که به نحو خاص ناظر به رعایت عدالت اقتصادی می‌باشد عبارت است از: ﴿وَأَقِيمُوا الْوَزْنَ بِالْقِسْطِ وَلَا تُخْسِرُوا الْمِيزَانَ﴾ (رحمن/۹)؛ وزن کردن را به عدالت رعایت کنید و کم‌فروشی نکنید. مراد از میزان در این آیه مطلق هر چیزی است که وسیله سنجش باشد و معنایش این است که لازمه این که ما با وضع میزان حق و عدل را در بین شما تقدیر کردیم، این است که در سنجش اجناس خود نیز رعایت درستی ترازو و سنجش را بکنید (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۹، ص ۱۶۳). اهمیت میزان به هر معنی در زندگی و حیات انسان چنان است که هرگاه همین مصداق محدود و کوچکش یعنی «ترازو» را یک روز از زندگی حذف کنیم برای مبادله اشیاء گرفتار چه دردسرها و هرج و مرج‌ها دعوا و نزاع‌ها خواهیم شد. به همین نسبت هرگاه مفاهیم گسترده‌تر آن حذف شود نابسامانی افزون‌تر و بی‌حساب است. به هر حال با توجه به این که همه این آیات در مقام ذکر نعمت‌های الهی است روشن می‌شود که وجود «میزان» چه در کل جهان هستی و چه در جامعه انسانی و روابط اجتماعی، و چه در کار و کسب و تجارت همه از نعمت‌های گران‌بهای خداوند است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۳، ص ۱۰۹).

از بررسی آیات قرآنی چنین برداشت می‌شود که آیاتی از قرآن که هرگونه تصرف در اموال دیگران از غیر طریق صحیح و به ناحق را نهی کرده و تمام معاملاتی که هدف صحیحی را تعقیب نمی‌کند و پایه و اساس عقلایی ندارد را نکوهش نموده، در حقیقت اشاره‌ای به لزوم عدالت مداری در تعامل‌های اقتصادی می‌باشد. خداوند متعال می‌فرماید: ﴿وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ وَ تَدُلُّوا بِهَا إِلَى الْحُكَّامِ لِتَأْكُلُوا فَرِيقًا مِّنْ أَمْوَالِ النَّاسِ بِالْإِثْمِ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ﴾ (بقره/۱۸۸)؛ اموال یکدیگر را به ناشایست مخورید و آن را به رشوه به حاکمان

مدهید تا بدان سبب اموال گروهی دیگر را به ناحق بخورید و شما خود می‌دانید. منظور از اکل اموال مردم گرفتن آن و یا مطلق تصرف در آن است، که به طور مجاز خوردن مال مردم نامیده می‌شود. کلمه «اموال» جمع مال است، که به معنای هر چیزی است که مورد رغبت انسان‌ها قرار بگیرد، و بخواهند که مالک آن شوند، و گویا این کلمه از مصدر میل گرفته شده، چون مال چیزی است که دل آدمی به سوی آن متمایل است. کلمه «بین» به معنای فاصله‌ای است که به دو چیز یا بیشتر نسبت داده می‌شود، می‌گوییم بین آن دو و یا بین آنها و کلمه «باطل» در مقابل حق است که به معنای امری است که به نحوی ثبوت داشته باشد، پس باطل چیزی است که ثبوت ندارد و این که حکم «مخوردن مال خود را به باطل» را مقید کرد به قید «بینکم» دلالت دارد بر این که مجموعه اموال دنیا متعلق است به مجموعه مردم دنیا، منتها خدای تعالی از راه وضع قوانین عادلانه اموال را میان افراد تقسیم کرده، تا مالکیت آنان به حق تعدیل شود، و در نتیجه ریشه‌های فساد قطع گردد، قوانینی که تصرفات بیرون از آن قوانین هر چه باشد باطل است. مجموع آیه کلام واحدی می‌شود، که یک غرض را افاده می‌کند، و آن نهی از مصالحه‌ای است که راشی و مرتشی بر سر خوردن مال مردم می‌کنند، و مال مردم را بین خود تقسیم نموده حاکم یک مقدار از آن را که راشی به سویش ادلاء می‌کند بگیرد، و خود راشی هم یک مقدار دیگر را، با این که می‌دانند این مال باطل است، و حقی در آن ندارند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۲، صص ۷۵-۷۶). یکی دیگر از مفسران با استناد به این آیه، خطوط کلی اقتصاد اسلامی را چنین تبیین نموده است: «نهی از اکل مال، استعاره از نهی هرگونه تصرف است. چون توجه اولی و اصلی به مال از جهت وسیله روزی بوده است. اموالی که تعلق به همه شما دارد در حالی که در بین شماست به صورت باطل یا به سبب باطل نخورید! از تعبیر و ترکیب فشرده این آیه دو اصل اقتصاد قرآنی استفاده می‌شود:

۱. اصل مال، به وضع اولی، از آن همه و باید در بین آنان باشد نه در سویی

خاص و برای طبقه‌ای خاص؛

۲. چون چنین است هرگونه تصرف خاص و کشیده شدن در جهتی باید منشأ تعلقی داشته باشد به حق یا به باطل. تعلق و تصرف به حق در حد ضرورت و احتیاج یا به سبب ایجاد سودمندی و ارزش، یا مبادلاتی است که بر این اساس و برای خدمت به دیگران که صاحبان اولی مال اند انجام می‌گیرد و شریعت اسلام حدود آنها را مشخص نموده و جز این، خوردن و تصرف، به باطل و منهی است (طالقانی، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۷۷).

آیه دیگری نیز در این راستا شایان توجه است؛ خداوند متعال می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِّنْكُمْ وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا﴾ (نساء/۲۹)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اموال یکدیگر را به ناحق مخورید، مگر آن که تجارتی باشد که هر دو طرف بدان رضایت داده باشید، و خودتان را مکشید، هر آینه خدا با شما مهربان است. در این تعبیر عنایت در این است که مهم‌ترین غرض آدمی در هر تصرفی که می‌کند همان خوردن است، او می‌خواهد به وسیله تصرف در اشیاء در درجه اول قوت خود و عائله خویش را تأمین کند، چون شدیدترین حاجت بشر در بقای وجودش همانا غذا خوردن است، و به همین مناسبت است که تصرفات او را خوردن می‌نامند، البته نه همه تصرفاتش را بلکه آن تصرفی را خوردن می‌خوانند که توأم با نوعی تسلط باشد و با تسلط خود تسلط دیگران را از آن مال قطع سازد، مثلاً آن مال را تملک نماید، و یا تصرفی از این قبیل کند، گویا با چنین تصرفی سلطه خود را بر آن مال انفاذ نموده، در آن تصرف می‌کند... آیه نهی از معاملاتی است که نه تنها مجتمع را به سعادت و رستگاریش نمی‌رساند، بلکه ضرر هم می‌رساند، جامعه را به فساد و هلاکت می‌کشاند و این معاملات باطل از نظر دین عبارتند از: امثال ربا و قمار و معاملاتی که طرفین و یا یک طرف نمی‌داند چه می‌دهد و چه می‌گیرد، حدود و مشخصات کالا و یا بها مشخص نیست (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۴، ص ۵۰۲).

از منظر مفسری دیگر این آیه در واقع زیربنای قوانین اسلامی را در مسائل مربوط به معاملات و مبادلات مالی تشکیل می‌دهد، و به همین دلیل فقهای اسلام در تمام ابواب معاملات به آن استدلال می‌کنند، آیه خطاب به افراد با ایمان کرده و می‌گوید: «اموال یکدیگر را از طرق نابجا و غلط و باطل نخورید»؛ یعنی هرگونه تصرف در مال دیگری که بدون حق و بدون یک مجوز منطقی و عقلانی بوده باشد ممنوع شناخته شده و همه را تحت عنوان «باطل» که مفهوم وسیعی دارد قرار داده است. بنابر این هرگونه تجاوز، تقلب، غش، معاملات ربوی، معاملاتی که حد و حدود آن کاملاً نامشخص باشد، خرید و فروش اجناسی که فایده منطقی و عقلایی در آن نباشد، خرید و فروش وسائل فساد و گناه، همه تحت این قانون کلی قرار دارند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۳۵۶).

– مصادیق تعلیم و تربیت اقتصادی فرزندان

بر مبنای اصول فراگیر پیش گفته، ذکر مصادیقی از تعلیم و تربیت اقتصادی بایسته به نظر می‌رسد. نکته شایان توجه آن که والدین باید متناسب با توجه به متغیرهایی همچون سن، جنسیت و شرایط و مقتضیات اجتماعی فرزند خویش، روش‌هایی متناسب برای تحقق اهداف ذیل، اتخاذ نمایند.

– تلقین مطلوبیت کار و نکوهش راحت‌طلبی

رنج‌گریزی و راحت‌طلبی، یکی از گرایش‌های فطری انسان محسوب می‌شود. قرآن کریم نه تنها گرایش به لذت‌ها را در انسان انکار یا نکوهش نمی‌نماید، بلکه یک سلسله از آموزه‌های خود را در راستای برآورده‌سازی این میل ذاتی مبتنی ساخته و حفظ بهداشت روانی افراد را منوط به پاسخ‌گویی بدان امیال دانسته است. خداوند متعال می‌فرماید: «بگو چه کسی زینت‌های الهی را که برای بندگان خود آفریده، و روزی‌های پاکیزه را حرام کرده است؟!» (اعراف/۳۲).

بنابراین قرآن کریم اصل التذاد را نکوهش ننموده و حتی خداوند متعال

برخورداری از آسایش، راحتی و لذات مختلف در بهشت را به نیکوکاران وعده داده و می‌فرماید: «در بهشت هر آنچه انسان‌ها بخواهند و چشم‌ها لذت ببرند وجود دارد» (زخرف/۷۱). همچنین در آیه‌ای دیگر، راحتی بهشتیان این گونه توصیف می‌شود: «پرهیزکاران در باغ‌ها و چشمه سارها به سر می‌برند. در آنجا هیچ رنج و خستگی بدان‌ها نرسد و هیچ گاه از آن بیرون نشوند» (حجر/۴۸-۴۹).

نکته شایان توجه آن که قرآن کریم این میل فطری را افسار گسیخته نمی‌گذارد، بلکه با هدایتی حکیمانه، انسان‌ها را از نتایج خطر آفرین راحت‌طلبی افراطی بر حذر داشته است. خداوند متعال انواع خاصی از راحت‌طلبی و لذت‌گرایی را ممنوع اعلام کرده است:

۱. راحت‌طلبی‌هایی که منجر به غفلت و فراموشی لذت‌های ارزنده‌تر اخروی و توجه افراطی به هوس‌های زودگذر و پست شود. خداوند متعال می‌فرماید: «زندگی دنیا را برمی‌گزینند، در حالی که جهان آخرت بهتر و پایدارتر است» (اعلیٰ/۱۶-۱۷).

۲. راحت‌طلبی‌هایی که مانع شکوفاسازی ارزش‌های والای انسانی و استعداد‌های سرشار فکری شود. لازم به ذکر است عقل اقتضا دارد که انسان کمال خواه برای بهره‌گیری از توانمندی‌های متعدد ذهنی و جسمی، با جدیت به تلاش پردازد. بر همین مبنا تصویری که خداوند بی‌همتا از زندگی دنیوی ترسیم نموده، تصویری آمیخته با رنج و زحمت است: «محققاً انسان را در رنج و زحمت آفریدیم» (بلد/۴).

بنابراین در بینش قرآنی، که زندگی جاوید و حیات ابدی اصالت دارد و زندگی دنیا مقدمه آن محسوب می‌شود، گرایش افراطی به راحت‌طلبی و ورود به عرصه‌های منع شده لذت، نکوهش شده است.

شهید مطهری رحمته‌الله اشتغال به کار را یکی از عوامل مهم تربیتی انسان برمی‌شمرد. وی اهتمام افراد به کار و فعالیت را موجب تمرکز قوه خیال، اجتناب از ارتکاب گناهان، کشف استعداد‌های فردی و پرورش تفکر منطقی می‌داند

(مطهری، ۱۳۵۸، ج ۲۲، صص ۷۸۴-۷۹۴).

بر این مبنا شایسته است والدین، مطلوبیت ذاتی کار و تلاش را برای فرزندان تبیین نموده و از این رهگذر زمینه‌ساز خیزش اقتصادی عظیمی در آینده باشند؛ زیرا در صورت نهادینه سازی این اندیشه در نیروی کار، با وجود رونق و یا رکود اقتصادی، کار پست بر بی کاری ترجیح داده می‌شود. چنین انسان‌هایی تنها برای تأمین معاش و یا درآمد بیشتر، کار نمی‌کنند، بلکه به تلاش برای یافتن استعدادها و عالم خلقت به عنوان یک رسالت الهی می‌نگرند. این نوع نگرش به کار و تلاش، موجب تولید فکر، کارآفرینی و تسریع روند توسعه و پیشرفت خواهد شد.

- بیان انگیزه‌های انجام فعالیت‌های اقتصادی برای فرزندان

باید باور داشت که هر چند نظام انگیزشی در یک خانواده اسلامی، نظامی حق مدار و مقید به رعایت اصول و ضوابط شرعی است، اما چنانچه تعلیم و تربیت اقتصادی یکی از وجوه متعدد حائز اهمیت والدین باشد، بایسته است گهگاهی متناسب با سن و میزان درک فرزندان، به انگیزه‌های اصلی در انجام فعالیت اقتصادی اشاره شود. به عنوان نمونه ابراز علاقه‌مندی والدین به کسب درآمد حلالی که از طریق عدم تضييع حقوق دیگران و نادیده گرفتن مصالح سایرین، همچنین توجه به دستورات الهی در پرهیز از رباخواری، گران فروشی، کم فروشی و... به دست می‌آید، تأثیر به‌سزایی در آموزش و تثبیت ارزش‌های اقتصادی در ساحت وجودی فرزندان بر جای می‌نهد. همچنین بیان اجمالی نحوه صرف بودجه خانواده، در برابر هزینه‌های فزاینده، در ایجاد روحیه بردباری و توجه به احتیاجات مشترک خانواده مؤثر است.

تأمین معاش، پرداخت بدهی‌ها و واجبات مالی مانند خمس، زکات و کفارات، انجام عبادت‌های واجب و مستحب، انفاق و رسیدگی به فامیل و فقیران، سرمایه‌گذاری جهت رفع نواقص مالی و بارور کردن دارایی از جمله

اموری است که در روایات متعدد معصومین علیهم‌السلام به عنوان راه‌های حلال صرف درآمد بدان اشاره شده است (ر.ک: محمدی ری شهری، ۱۳۷۷، ج ۴، صص ۲۹۹۳-۲۹۹۴؛ کلینی، ۱۳۶۵، ج ۵، ص ۷۲).

- تقریب مفهوم «مدارا» با «اقتصاد» در اندیشه فرزندان

هر چند رفتارهای اقتصادی که با انگیزه سود انجام نمی‌شود، در اقتصاد لیبرالیستی مورد توجه نیستند، ولی در دهه‌های اخیر تحت عنوان اقتصاد اجتماعی یا اقتصاد بدون سود، مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته و به عنوان یک مبحث مهم در ادبیات توسعه مطرح است (ر.ک: فیلد جان، ۱۳۸۵، ص ۵). اهمیت این موضوع تا بدان جاست که به عقیده صاحب‌نظران؛ اقتصاد مدرن به دلیل فاصله‌ای که با اخلاق پیدا نموده، تضعیف شده است (آمارتیا سن، ۱۳۷۷، صص ۸۷).

جالب آن که آموزه‌های فرازمانی اسلامی در حوزه اقتصاد از قرن‌ها پیش، ملازمت اخلاق و اقتصاد را سفارش نموده است. مفاهیمی همچون وفای به عهد، امانت‌داری، سخاوت، صداقت، انصاف و... در بسیاری روایات از خصوصیات پسندیده عهده‌داران مسؤلیت‌های اقتصادی برشمرده شده‌اند (ر.ک: محمدی ری شهری، ۱۴۲۲ق، صص ۱۳۱-۱۳۵).

مدارا به معنای مهربانی و حسن مصاحبت (ابن منظور، ۱۴۰۵ق، ج ۱۴، ص ۲۵۴)، در تمامی عرصه‌های اجتماعی و از جمله رفتارهای اقتصادی مسلمانان مورد توجه قرآن کریم و پیشوایان دینی علیهم‌السلام قرار گرفته است. نرم‌خویی در فرایند کسب درآمد به صورت رعایت حال دیگران در سویه‌های مختلف تولید، توزیع و مصرف ظهور می‌یابد و ثمراتی همچون تخصیص بهینه منابع، کاهش فساد اقتصادی، رونق اقتصادی، افزایش اعتماد در بازار و کاهش فقر را به دنبال خواهد داشت.

از دیدگاه قرآن کریم، بین افراد جامعه اسلامی، پیوند اخوت برقرار است (حجرات/۱۰؛ بقره/۱۷۸ و آل عمران/۱۰۳) و ترجیح دادن دیگران بر خود در

امور مالی (حشر/۹ و دهر/۸) به عنوان یکی از جلوه‌های ایمان راستین، ستایش شده و در حقیقت بر نوعی مدارا با دیگر اعضای جامعه در تنگناهای اقتصادی دلالت دارد.

امیر مؤمنان علیه السلام در آداب تجارت می‌فرمایند: به سبب آسان‌گیری بر مردم به کسب خود برکت دهید و به خریداران نزدیک شوید و خود را به حلم و صبر تزئین کنید (حر العاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۷، ص ۳۸۳).

بدون تردید اتخاذ رویه‌های اخلاقی همچون مدارا، در فعالیت‌های اقتصادی، منبث از ملکات پایدار نفسانی است، چه بسا سال‌ها قبل در نهاد خانواده بسترسازی شده است. بر این اساس تعلیم و تعمیق رویکردهای منصفانه اقتصادی، یکی از حوزه‌های بسیار مورد توجه در تعلیم و تربیت اقتصادی فرزندان محسوب می‌شود.

- پای‌بند نمودن فرزندان به اصل میانه‌روی

میانه‌روی یا رعایت حد وسط و بسنده کردن به حد کفایت و متعارف، یکی از اموری می‌باشد، که در اندیشه اسلامی بسیار سفارش شده است. در کلام فرازمند معصومان علیهم السلام، اتخاذ این رویه از فقر و اتلاف مال جلوگیری نموده، موجب بی‌نیازی شده و برای تحمل سختی‌های روزگار آماده می‌شود (ر.ک: نوری طبرسی، ۱۴۰۸ق، ج ۱۳، صص ۵۲-۵۳). آیات قرآنی رعایت میانه‌روی را هم در حال فقر و هم در حال توانگری توصیه نموده‌اند (فرقان/۶۷ و اسراء/۲۹).

اثرات زیانبار عدم پای‌بندی به اصل میانه‌روی در سطح اجتماع به صورت زیاده‌روی در مصرف کالاها و امکانات و در نهایت وابستگی علمی، فرهنگی و سیاسی بروز می‌یابد.

بدون تردید فرزندان که همواره در تنعمات مادی به سر برده‌اند و لذت‌گرایی جسمانی، اصلی‌ترین دغدغه آنها بوده، مجالی برای بهره‌برداری از کانون روح و منبع بی‌پایان ضمیر در اختیار نداشته‌اند. لذا والدینی که قصد دارند

فرزندانی مقاوم، استوار و سخت کوش تربیت نمایند، باید از افراط و تفریط در تمامی عرصه‌ها پرهیز نموده و با کاستن از تنش‌ها، به لذت بردن از داشته‌ها اهتمام ورزند.

– سوق‌دهی فرزندان به ارتقای تعهد، تخصص و نوآوری

در جامعه اسلامی مجموعه روابط اقتصادی بر محور تکامل مادی و معنوی انسان و صیانت از کرامت انسانی شکل گرفته؛ زیرا غایت اصلی، دستیابی به جایگاه والای اخروی است. در این راستا یکی از عوامل بنیادی برای تحقق اقتصاد اسلامی، تربیت افرادی شایسته، صالح و آگاه با مهارت‌های مورد نیاز جامعه در چارچوب خانواده است. در بینش اقتصادی اسلامی، متعهد غیر متخصص و متخصص غیر متعهد موجب اخلال و فساد می‌گردد و در آیات قرآنی بر لزوم همراهی این دو خصیصه در فعالان اقتصادی تأکید شده است (قصص/۲۶ و یوسف/۵۵). بر این مبنا پای‌بندی به آموزه‌های اسلامی اقتضاء می‌کند که افراد از پذیرش مسؤلیت‌هایی که تخصص و توانمندی آن را ندارند، خودداری ورزند. در عین حال همواره در جهت افزایش توانمندی‌های علمی و فناوری‌های نوین برنامه‌ریزی نمایند. این موضوع توسط برنده جایزه نوبل علم اقتصاد در سال ۱۹۹۸ نیز مورد توجه خاص قرار گرفته است. وی با طرح اندیشه ظرفیت‌ها و کارکردهای انسانی، این واقعیت مهم را بیان نمود که دستیابی به زندگی بهتر، بیش از آن که نیازمند مصرف بیشتر کالاها و خدمات باشد، ثمره پرورش و بسط استعدادها و ظرفیت‌های انسانی است (سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۷۸، ص ۱۷).

از سوی دیگر نوآوری به معنای «ساختن محصولی نوین یا ارائه نظریه‌ای جدید در فرایند تولید و ایجاد تحول در انگاره‌ها و بهره‌برداری از اندیشه‌های نو و خلاقانه در حل موضوعات روزآمد» (محصص، ۱۳۹۰، ص ۹۵)، نیز یکی از مهم‌ترین عناصر در تربیت اقتصادی مطلوب محسوب می‌شود. از منظر یکی از اقتصاددانان، «وقتی افراد با استعداد به نوآوری مولد بپردازند، توان آنها صرف

بهبود تکنولوژی و افزایش کارایی و انتخاب روش‌های کارآمدتر می‌شود و در نتیجه بهره‌وری فعالیت‌های اقتصادی افزایش یافته و درآمد جامعه بالا می‌رود، به عکس زمانی که این افراد به دنبال کسب رانت باشند، درآمد آنها از محل توزیع مجدد ثروت از دیگران تأمین شده و آنها مشارکتی در تولید ندارند. در چنین شرایطی استعداد‌های جامعه به کار مولد و بهبود تکنولوژی نپرداخته و اقتصاد دچار رکود و عدم تحرک می‌گردد» (طیبیان، ۱۳۷۸، صص ۴-۶).

در این راستا تربیت فرزند نوآوری که با اعتقاد به توحید افعالی، با روحیه‌ای سرشار از امید و نشاط در کانون خانواده، سرسپرده‌ی معبود گشته و معتقد به ربوبیت الهی بر تمام جهان هستی است، موجب خواهد شد، نیروی مولد از توانمندی‌های ذهنی خود در مسیر نابود سازی آفریده‌های الهی استفاده نماید و با ظرفیت فکری و روانی بیشتری با ناملایمات رویارویی داشته باشد. نهادینه سازی این خصوصیات در حوزه خانواده، اثربخشی مستقیمی بر ایجاد روحیه سخت‌کوشی و در نتیجه توسعه کمی و کیفی تولیدات اقتصادی خواهد داشت.

نتیجه‌گیری

بر اساس آنچه تبیین گردید، اقتصاد از دیدگاه اسلام، به خلاف دیگر مکاتب اقتصادی، هدفی میانی و مقدمه‌ای برای اهداف والاتر ارزشی محسوب می‌شود. مبانی بیشنی قرآن کریم، با تأکید بر اخلاق محوری، آخرت‌گرایی، زمینه‌سازی جهت تولید و توزیع، لزوم اتخاذ الگوی صحیح مصرف و عدالت‌مداری، زیربنای منطقی پی‌ریزی یک نظام منسجم تعلیم و تربیت اقتصادی را شکل می‌دهند. پای‌بند نمودن فرزندان به اصل میانه‌روی، تقریب مفهوم «مدارا» با «اقتصاد» در اندیشه فرزندان، بیان انگیزه‌های انجام فعالیت‌های اقتصادی برای فرزندان، تلقین مطلوبیت تلاش، نکوهش راحت‌طلبی و سوق‌دهی فرزندان به ارتقاء تعهد، تخصص و نوآوری، از جمله مصادیق تعلیم و تربیت اقتصادی فرزندان در خانواده محسوب می‌شود.

منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه.
۳. ابن ابی الحدید (۱۴۰۴ق)، شرح نهج البلاغه، قم، مکتبه آیت الله مرعشی.
۴. ابن ابی الحدید، عزالدین عبدالحمید (۱۹۵۹م)، شرح نهج البلاغه، ج ۲۰، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، دار احیاء الکتب العربیه، چاپ اول.
۵. ابن منظور، ابوالفضل محمد بن جمال الدین (۱۴۰۵ق)، لسان العرب، ج ۱۴، قم، نشر الحوزه، چاپ اول.
۶. ابو زهره، محمد (بی تا)، زهره التفاسیر، بیروت، دارالفکر.
۷. آمار، تیاسن (۱۳۷۷)، اخلاق و اقتصاد، ترجمه حسن فشارکی، تهران، مؤسسه نشر و پژوهش شیرازه.
۸. بهشتی، احمد (بی تا)، تربیت از دیدگاه اسلامی، انتشارات پیام.
۹. جعفری، یعقوب (بی تا)، تفسیر کوثر، ج ۵ و ۶، قم، هجرت.
۱۰. حرانی، ابن شعبه (۱۴۰۴ق)، تحف العقول عن آل الرسول ﷺ، تحقیق علی اکبر غفاری، قم، مؤسسه النشر اسلامی، چاپ دوم.
۱۱. خلیلیان، محمد جمال (۱۳۸۴)، شاخص های توسعه اقتصادی از دیدگاه اسلام، قم، مؤسسه امام خمینی علیه السلام.
۱۲. خورشید، احمد (۱۳۷۴)، مطالعاتی در اقتصاد اسلامی، مشهد، آستان قدس رضوی.
۱۳. دفتر همکاری حوزه و دانشگاه (۱۳۷۱)، مبانی اقتصاد اسلامی، تهران، سمت.
۱۴. راغب اصفهانی، ابی القاسم حسین بن محمد (۱۴۱۶ق)، مفردات الفاظ القرآن، دمشق، دار القلم.
۱۵. زاهدی، شمس السادات (۱۳۷۰)، فرهنگ جامع مدیریت، ج ۲، تهران، دانشگاه علامه طباطبایی.
۱۶. سید بن قطب، ابن ابراهیم (۱۴۱۲ق)، فی ظلال القرآن، بیروت، دار الشروق.
۱۷. صدر، سید محمد باقر (۱۳۷۵)، اقتصادنا، قم، مکتب الاعلام الاسلامی.
۱۸. طالقانی، سید محمود (۱۳۶۲)، پرتوی از قرآن، تهران، شرکت سهامی انتشار.
۱۹. طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۷۴)، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، قم، انتشارات حوزه علمیه.
۲۰. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۶۰)، مجمع البیان، تهران، نشر فراهانی.
۲۱. طبری، ابوجعفر محمد بن جریر (۱۴۱۲ق)، جامع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دار المعرفه.
۲۲. طیبیان، محمد (۱۳۷۸)، «رانت اقتصادی به عنوان یک مانع توسعه»، برنامه و توسعه، ش ۴، ص ۴-۶

۲۳. فیلد جان (۱۳۸۵)، سرمایه اجتماعی، ترجمه جلال متقی، تهران، مؤسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی.
۲۴. قحف، منذر (۱۳۷۶)، مقدمه‌ای بر اقتصاد اسلامی، عباس عرب مازار، سازمان برنامه و بودجه.
۲۵. قرائتی، محسن (۱۳۸۳)، تفسیر نور، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
۲۶. قرشی، سید علی اکبر (۱۳۷۷)، احسن الحدیث، تهران، بنیاد بعثت.
۲۷. کلینی رازی، ابوجعفر محمد بن یعقوب بن اسحاق (۱۳۶۵)، الکافی، ج ۵ و ۶، تحقیق علی اکبر غفاری، تهران، دار الکتب الاسلامیه، چاپ چهارم.
۲۸. محمص، مرضیه (۱۳۹۰)، «تأملی بر رهیافت قرآن کریم به مقوله نوآوری برای نیل به توسعه اسلامی»، معرفت، سال ۲۰، ش ۵، ص ۹۱-۹۵.
۲۹. محمدی ری شهری، محمد (۱۳۷۷)، میزان الحکمه، ج ۵، ترجمه حمید رضا شیخی، قم، مؤسسه دار الحدیث.
۳۰. ----- (۱۴۲۲ق)، التنمیه الاقتصادیه فی الكتاب و السنه، المساعد: رضا حسینی، قم، دار الحدیث.
۳۱. ----- (۱۳۹۰)، تحکیم خانواده از نگاه قرآن و حدیث، ترجمه حمید رضا شیخی، قم، دار الحدیث، چاپ چهارم.
۳۲. مطهری، مرتضی (۱۳۸۵)، نظری به نظام اقتصادی اسلام، تهران، انتشارات صدرا.
۳۳. ----- (۱۳۶۷)، تعلیم و تربیت در اسلام، قم، انتشارات الزهراء.
۳۴. ----- (۱۳۵۸)، مجموعه آثار، ج ۲۲، قم، بی‌نا.
۳۵. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴)، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۳۶. نوری طبرسی، میرزا حسین (۱۴۰۸ق)، مستدرک الوسائل، بیروت، مؤسسه آل‌البتین بیت‌السلام لاجیاء التراث.